

تغییر متون درسی و نقد دو توهّم!

نابسامانی متون درسی حوزه مدت‌هاست مورد انتقاد نخبگان و اساتید حوزه‌های علمیه قرار گرفته است، اما این انتقادات و تحلیل‌ها از سوی مراکز حوزوی - جز معدودی - جدی گرفته نشده و اقدام‌های عملی قابل توجه یا تغییرات متناسب با حجم انتقادات و مطالبات طلاب و اساتید مشاهده نشده است. البته باید اذعان داشت تلاش‌هایی توسط برخی از عالمان و نویسندگان - همانند علامه شهید صدر و علامه مظفر - و برخی از مراکز آموزشی - به ویژه مرکز جهانی علوم اسلامی یا جامعه المصطفی العالمیه کنونی - صورت پذیرفته، اما افزون بر کمیت و کیفیت ناکافی، فراگیر نشده است.

سخنان از سر درد و دریغ پرچمدار اصلاحات حوزه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در آخرین دیدار خود با حوزویان در آذر ماه ۸۶ نیز نتوانسته یخ‌های بسته تحولات درسی را آب کند، و به نظر می‌آید این سخن رهبری کسی از متولیان را شرمنده نکرد که: «مسئله کتاب‌های درسی را که آقایان مطرح کردند کاملاً درست است. بنده در قم - در یکی از سفرها، حالا درست یادم نیست که کی بود؛ یکی از آقایان گفتند ده سال است؛ من نمی‌دانم. من خیال می‌کردم سه چهار سال است - در جلسه فضا را بحث کتاب درسی و تغییرات کتاب درسی را مطرح کردیم، بلافاصله باز خوردش به من رسید؛ مخالفت‌ها! - که البته این مخالفت‌ها از طرف من نادانسته هم نبود، می‌دانستم عده‌ای مخالفت می‌کنند با این قضیه - تغییر کتاب درسی لازم است، حتماً هم باید بپیدا کند؛ در این هیچ شکی نیست... این عقیده من است. حالا ممکن است

مسئولین حوزه و مدیران حوزه و بعضی از برجستگان حوزه نپسندند و این کار نشود، اما یک روزی بدون تردید خواهد شد!»!

اما آنچه نویسنده را به نگاشتن در این زمینه واداشت، روی دیگر سکه و شنیدن مکرر پندارهای نادرست درباره تغییر متون درسی است که برخی را واداشته تا به جای گزینی‌های شتاب‌زده و سطحی متون آموزشی حوزه روی آورند و این چنین بر مقاومت اساتید، مدارس و مراکز آموزشی حوزه در مقابل تغییرات دقیق و بایسته متون درسی بیفزایند. رهبر معظم انقلاب دام ظلّه در همان دیدار فرمود:

«خوب، این، این طرف قضیه. آن طرف قضیه گفتیم باید تحول مدیریت شود. باید توجه شود که مایه علمی رقیق نشود، سطح مطلب شیخ پایین نیاید، سطح مطلب آخوند در اصول پایین نیاید. طلبه در خلأ دانایی نسبت به این مبانی که امروز در فقه و اصول ما عناصر مهم و اثرگذاری هست، قرار نگیرد؛ طلبه در خلأ قرار نگیرد. عبارات، عبارات صحیح و خوب و عربی باشد (بنده بعضی از نوشته‌جات حوزه را که ملاحظه می‌کنم، از این جهت ما یک خرده‌ای کمبود داریم، نقص داریم) یک نوشته متین، قرص و محکمی که در همه مجامع علمی اسلامی وقتی که رفت... به عنوان یک اثر برجسته و ممتاز شناخته شود، ایراد لفظی و متنی و قلمی نداشته باشد».

اگرچه حرف و سخن در این باب، بسیار و طرح پندارهای نادرست در باب چگونگی تغییر متون درسی و نشان دادن کثرتی آنها از حوصله این نشریه بیرون، و نیازمند مجالی مفصل و مستقل است، اما دست کم واکاوی اجمالی دو توهم رایج، ضروری می‌نماید:

۱. متون به جای اهداف!

انتخاب متون آموزشی، تابع اهداف و سرفصل‌هایی است که برای یک ماده درسی در نظر گرفته شده است. از این رو، درباره تغییر یک متن آموزشی وقتی باید سخن گفت که بدانیم آن را برای تأمین کدام اهداف و چه سرفصل‌هایی به کار می‌گیریم. اما با تعجب مشاهده می‌شود با اینکه جزوه راهنمای برنامه رسمی حوزه در پایه‌های یک تا ده، فاقد اهداف آموزشی معین به تفکیک دروس است، باز عده‌ای با حرارت از وضعیت فعلی دروس و متون آن و حتی ترتیب آنها دفاع می‌کنند و عده‌ای نیز کمر به انتقاد و تخطئه بسته‌اند یا جای‌گزینی را پیشنهاد می‌کنند. آبا رواست بی‌تأمل دقیق در

و با حدس و گمان و سلیقه، از حجم آنها کاسته یا افزوده شود، یا محتوای آنها تغییر یابد و یا ترتیب آنها را بر هم خورد؟

در نظام قدیم ما مواد درسی و متون آموزشی در هم تنیده بوده و متون درسی با توجه به اهداف معین و مورد انتظار از دروس (اما غیرمکتوب) برگزیده می‌شده است. به نظر می‌آید ندانستن اصول برنامه‌ریزی آموزشی و طراحی درسی، یا پیچیدگی، تلفیق، و غیرمکتوب بودن این اهداف، عده‌ای را دچار اشتباه ساخته و در ذهن آنها متون به جای اهداف نشسته است و از این رو حساسیت لازم برای دفاع اهداف را به ساحت متون منتقل کرده‌اند. غافل از این که این رویکرد، مربوط به دوره درهم‌تنیدگی دروس و متون بوده، و اینک که تنها با تمایز آنها از یکدیگر، بازنگری قابل اثبات یا نفی است، نمی‌توان صرفاً از روزه متون درسی، تحولات را پی‌گیری و مدیریت کرد. در واقع به جای اینکه متون موجود در تأمین اهداف مورد توافق، اثبات یا نفی شود و نزاع بر سر طرق آموزشی نیل به چنین اهدافی درگیرد، محمول بلا موضوع طرح می‌شود. شاید درست‌تر آن باشد که بگوییم نزاع پنهان و ناگفته آنها بر سر اهداف آموزشی است، نه متون درسی.

سوگمندان باید گفت هدایت سکان آموزشی حوزه به این سبک - که کم و بیش رخ داده - رانندگی با چشمان بسته است!

۲. تجزیه اهداف تلفیقی!

یکی از دست‌آوردهای نظریه‌های نوین یادگیری و طراحی آموزشی، توصیه به طراحی دروس با اهداف تلفیقی است. یعنی به جای اینکه برای هر یک از اهداف آموزشی، درسی جداگانه تعیین و طراحی کنیم، مجموعه‌ای از اهداف را به صورت ترکیب در یک یا چند درس پیش‌بینی نماییم. به این مثال توجه کنید:

از جمله اهداف نظام آموزشی عمومی در مقطع ابتدایی، توانایی خواندن و نگارش به زبان فارسی معیار است، و یکی دیگر از اهداف همین مقطع، تقویت هویت ملی و شناخت خصوصیات اقلیمی کشور است. در درسی مانند فارسی، محتوایی گنجانده شده که افزون بر برخورداری از واژه‌ها و جملاتی که درک معانی آنها، ساختار ترکیبی و رسم‌املائی آنها متناسب با توانایی‌های یک کودک است، مضمون آن مربوط به زیبایی‌های ایران و مناطق آن، و معرفی اقوام مختلف آن باشد است. به این ترتیب، که هدف زبانی، صرفاً در درس فارسی و هدف اجتماعی در درس اجتماعی

پی‌گیری گردد، هر دو در درس فارسی تعبیه شده است.

این مهم به خوبی در نظام آموزشی سنتی حوزه به چشم می‌خورد. برای نمونه: کسانی که با مقوله آموزش عربی سر و کار دارند، به خوبی می‌دانند که علوم و مهارت‌های ادبی متنوع است و حداقل شامل دانستن قواعد صرف و نحو و بلاغت،

مطابقت نیاز، توانایی یافتن معانی لغات از معاجم، درک تعبیرات و الگوهای جملات رایج، توانایی فهم متون عمومی و تخصصی، توانایی نگارش صحیح و... است. در نظام آموزشی، اهداف آموزش عربی جدا از اینکه هدف اصلی دروس و متون که صرف و نحو و بلاغت بوده، در اهداف جنبی، دروس و متون علوم اسلامی مانند منطق، اخلاق، فقه و اصول و کلام نیز دنبال می‌شده است. از سوی دیگر، سنت مباحثه نیز بر پایه تبادل و ارائه فهم متون توسط اعضای مباحثه استوار بوده و تسلط بر معانی عبارات و فهم ساختارهای زبانی، از اهداف نسبتاً اصلی مباحثه بوده است. از این رو، در بازخوانی شیوه و متون آموزش عربی در نظام آموزشی سنتی حوزه، نباید تنها دروس و متون صرف و نحو و بلاغت را جست‌وجو کرد و معیار قضاوت درباره کارایی آموزش عربی را به آنها محصور کرد، بلکه دروس و متون فقه و اصول و کلام و منطق و مباحثات آنها را نیز باید عهده‌دار بخش مهمی از ابزار کسب مهارت‌های زبانی و تمرین‌های کاربردی عربی شمرد. آموزش عربی به شیوه تلفیقی گذشته، هم در زمان آموزش، صرفه‌جویی می‌کند و هم سیر تدریجی و صعودی ارتقای مهارت‌های زبان عربی را تضمین می‌کند.

شگفت این‌که پس از آنکه نظام مباحثه در غوغای امتحانات حفظ‌محور مراکز مدیریتی حوزه و عدم تقویت انگیزه‌های مباحثه از هم پاشیده است، و از سوی دیگر فارسی‌سازی در متون مختلف برنامه درسی رسمی حوزه از قبیل منطق، کلام و عقاید، فقه و حتی اصول اجرا شده است، متون کلاسیک صرف و نحو و بلاغت، ناکارآمد انگاشته می‌شود و به عنوان کتاب‌های غیرآموزشی و فاقد تمرین‌های لازم یک به یک کنار می‌رود و یا جزوات ملحق تمرین و تجزیه و ترکیب به آنها افزوده می‌شود. در این میان، گویا کمتر کسی متوجه شده که نائل آمدن به بخش مهمی از مهارت‌های زبان‌آموزی عربی، در مباحثه و متون عربی در همه دروس علوم اسلامی نهفته است. این است که با وجود تغییرات و افزوده‌های مکرر در متون درسی، هنوز هم طلاب فهمند و می‌خوانند و می‌نویسند!

با این همه، اصل تغییر در متون درسی باید جدی گرفته شود و با زدودن پندارهای نادرست، تغییر مواد، منابع و شیوه‌های آموزشی در مسیر حفظ و اعتلای سنت‌های تعلیمی حوزه و نیل به اهداف علمی و اجتماعی روحانیت، سامان یابد. امیدواریم این مهم، زودتر رخ دهد!

والسلام